

## اطلاع رسانی:

نشریه فنی مرکز مدارک علمی (مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران)

دوره سوم شماره ۴۳

### دستور ساختن واژه نامه استانداردهای بین المللی قسمت اول

ترجمه: پرویز مهاجر

#### مقدمه

مرکزهای اطلاع رسانی و دکومانتاسیون به شیوه هائی علمی نیاز دارند تا بتوانند مفاهیم را بسادگی و وضوح باز نمایند و با مشخص کردن روابط این مفاهیم به آنها انتظام دهند. با استفاده از این شیوه ها و نظارت اصطلاح شناسانه بر مفاهیم می توان نظام تحلیل، رده بندی، مدرک یابی مؤثر و کم خرجی را در دستگاههای دکومانتاسیون ابداع کرد.

در بسیاری از کشورها، بنگاه ها باقتضای مقصود خود یا واژه نامه هائی گردآوری کرده اند یا در کار این گردآوری هستند. واضح است که در انتقال اطلاع نیازمند مجموعه قواعد استاندارد شده ای هستیم تا بر اساس آنها بتوانیم واژه نامه بسازیم. رهنمودهای این استاندارد بین المللی از جهات زیر میتواند مفید باشد:

- کار هر یک از بنگاهها را در ساختن و پروراندن واژه نامه آسان می کند.
- انتقال اطلاع بین بنگاه های مختلف را آسان می کند (در بند ۷ این جزوه فهرست نشریات مفید بدست داده می شود).

#### دامنه و زمینه کاربرد

۱-۱ این استاندارد بین المللی رهنمودهائی بدست میدهد تا تهیه و پرورش واژه نامه ها را (اعم از ماشینی یا دستی) آسان کند لذا در این رهنمودها سعی شده است تا مبنائی برای سازگاری واژه نامه هائی که در حال و یا آینده در بسیاری از رشته های علمی، چه بنیادی و چه عملی، فراهم می آیند ایجاد شود.

۱-۲ از این رهنمودها می توان در تهیه و پروراندن واژه نامه هائی استفاده کرد که صرف نظر از موضوعی که بدان می پردازند در امر ذخیره و بازیابی اطلاعات بکار گرفته می شوند. در این رهنمودها برای فرمولهای ریاضی و فرمولهای ساختمانی شیمیائی جایی در نظر گرفته نشده است زیرا این رهنمودها بقصد استفاده ای عامتر پیشنهاد شده اند و باید مطابق ویژگیهای هر زبانی، تکمیل شوند.

#### ۲- تعریف واژه نامه

۲-۱ تعریف واژه نامه

واژه نامه را میتوان بر حسب وظیفه یا ساختمان آن تعریف کرد.

بر حسب وظیفه، واژه نامه ابزار نظارت اصطلاح شناسانه ای است که از آن در ترجمه از زبان طبیعی مدرک یا زبان نمایه ساز و استفاده کننده به زبانی مقید و محدود یعنی زبان دستگاه استفاده می شود (زبان دکومانتاسیون، زبان اطلاع رسانی)

بر حسب ساختمان، واژه نامه واژگانی است تحت نظارت و متحول که اصطلاحات آن از لحاظ معنا و جنس با یکدیگر ارتباط دارند و قلمرو خاصی از دانش را فرا می گیرند.

واژه نامه بعنوان زیر مجموعه ساختمان یافته ای از زبان طبیعی، محتوای موضوعی مدارک، اشیاء یا مجموعه ای از داده ها را توصیف می کند. اصطلاحاتی که در توصیف خصوصیات صوری مدرک مورد استفاده قرار می گیرند (عناصر غیرموضوعی مانند نام نویسندگان، مجله ها، موزه ها، محل ها و جغرافیا و سایر توصیف های کتابشناختی) در واژه نامه نمی آیند، هر چند این عناصر معمولاً برای تعیین هویت دقیق آنچه نمایه شده است ضرورت دارند در حقیقت بهتر است آنها را جزو ملحقات واژه نامه آورد.

واژه نامه باید دقیقاً نشان دهنده محتوای اطلاعاتی مدارک یا عناصر دیگر مجموعه ای مربوط به خود باشد، یعنی باید دارای اصطلاحات و ارجاعات متقابلی باشد متناسب با موضوع مورد بررسی، و نباید زبان مجموعه مدارک یا زبان و اطلاعات مورد نیاز استفاده کنندگان را از نظر دور داشت.

بنا بر ماهیت نظارت اصطلاح شناسانه، دو نوع عمده واژه نامه معمولاً فراهم می شود.

الف- واژه نامه هائی که نظارت اصطلاح شناسانه را از طریق واژه های مرجع اعمال می کنند یعنی واژه نامه هائی که فقط یکی از اصطلاحاتی را که به مفهومی دلالت می کند در نمایه سازی و بازیابی مجاز می شمارند.

ب- واژه نامه هائی که در نمایه سازی و بازیابی، نظارت اصطلاح شناسانه را با مجاز دانستن تمام اصطلاحاتی اعمال می کنند که به یک مفهوم دلالت دارند اما تمام این اصطلاحات را به نشانه بی ابهام دیگری که از برای مفهوم گزیده شده است ارجاع می دهند (مثلاً شماره مفهوم یا نشانه گذاری) در این نوع واژه نامه، اگر معنای اصطلاحی تغییر کند حذف مترادف و روابط مفهومی خیلی آسان تر است.

برخلاف فرهنگ لغات، که تعاریف واژه یا اصطلاحی را بدست میدهد، در واژه نامه واژه ها یا اصطلاحات طوری منظم می شوند که روابط بین آنها مبین معانی خاصی میباشند.

میتوان واژه نامه را مانند فهرستی الفبائی مرتب کرد یا اصطلاحات موجود در واژه نامه دیگری را برای ساختن فهرستی مورد استفاده قرار داد. اما در هر حال واژه نامه با فهرست یکی نیست. فهرست هر مجموعه ای باید نشانی و محل هر یک از عناصر موجود در این مجموعه را مشخص کند اما خود واژه نامه فقط شامل اصطلاحات است بدون نشانی هائی که در فهرست آمده است. واژه نامه بعنوان نظام رده بندی اصطلاحات با نظام رده بندی موضوعی چنانکه در رده بندی دهدهی جهانی آمده است مشابهت هائی دارد.

اما در حالیکه نظام های رده بندی موضوعی میکوشد تا کل نظام روابط مرتبه ای را نشان دهد، واژه نامه باقتضای مجموعه مدارک و نیازهای اطلاعاتی استفاده کنندگان روابطی را که در نمایه سازی و بازیابی ضرورت دارد نشان میدهد.

واژه نامه را نباید نوعی لیست معتبر محسوب داشت زیرا اصطلاحات برگزیده شده در واژه نامه خاصی، اصطلاحاتی هستند که در نظام دکومانتاسیون و اطلاع رسانی معینی مورد نیاز نمایه سازی و بازیابی

هستند لیست های معتبر دیگری وجود دارند که مبتنی بر زبان طبیعی هستند مانند لیست سرعنوانهای موضوعی، اما بطور کلی این قبیل لیست ها ساختمان مرتبه ای واژه نامه را ندارند.

### ۳- ساختمان واژه نامه

#### ۳-۱- توصیف گرها

شکل درونی تک تک مدخل ها و ترتیب مدخل های مختلف در ارتباط با مدخلی دیگر ساختمان واژه نامه را پدید می آورد. ارجاعات متقابل در هر واژه نامه شیوه ارتباط با مدخل ها را با یکدیگر در شبکه مفاهیم مشخص می کند.

اصطلاحاتی که جواز ورود به واژه نامه یافته اند تا در نمایه سازی بکار روند توصیف گر نامیده می شوند. توصیف گر را می توان اصطلاح یا نمادی شکل گرفته و معتبر دانست که برای نشان دادن بی ابهام مفاهیم مدرکی یا مساله ای بکار گرفته می شود.

با در نظر داشتن هدف همکاری بین المللی دو سطح توصیف گر را میتوان از یکدیگر متمایز کرد.

- توصیف گرهای کلی تر که بعد از آنکه به چندین زبان ترجمه شدند میتوانند موضوع توافق چندین کشور باشند.

- توصیف گرهای خاص که میتوانند در چندین زمینه خاص موضوع توافق باشند. توصیف گرها می توانند:

الف) اصطلاحاتی باشند که به مفاهیم یا مجموعه هائی از مفاهیم دلالت کنند.

ب) اصطلاحاتی باشند که به ذوات منفرد دلالت دارند. این اصطلاحات همچنین اسمهای خاص (یا بازشناسانندگان) نامیده می شوند.

اسمهای خاص می توانند به یکی از شکلهای زیر باشند:

- نام برنامه ها

- فهرست واژه های اختصاصی

- نام های جغرافیائی یا ژئوپولتیکی

- علائم تجاری

- نام اشخاص و سازمانها

- اختصارات و سرنام ها

- سایر اسمهای خاص (یعنی نظام های برنامه ریزی)

بهتر آن است که اسم های خاص را مانند سایر توصیف گرها بکاربریم یعنی بیکدیگر ربطشان دهیم.

در مورد دیگری همچنین میتوان همین شیوه را در پیش گرفت و آن وقتی است که مجموعه واژه های اختصاصی که در همه جهان پذیرفته شده است وارد واژه نامه می شود.

در واژه نامه هائی که اصلاحات مرجع بکار نمی رود، همه واژه هائی که در واژه نامه آمده است اصولاً توصیف گر بحساب می آیند.

اصطلاحاتی که بر مفاهیمی دلالت میکنند اما در نمایه سازی بکار گرفته نمی شوند اصلاحات غیرمجاز بحساب می آیند. این اصطلاحات را غیر توصیف گر می نامند.

در بسیاری از موارد بهتر آن است که امکان تمایز نمادی و صوری بین توصیف گر و غیرتوصیف گر را ملحوظ داشت. این کار را می توان با استفاده از حروف چایی در چاپ هر توصیف گر خاص یا استفاده از علائمی برای مشخص کردن ابتدا و انتهای آن انجام داد.

## ۲-۲ ضرورت صوری

۳۰۲۰۱ عبارت مرکب توصیف گر ممکن است که از یک واژه یا بیشتر تشکیل شده باشد. صرف نظر از تعداد واژه هائی که برای رساندن مفهومی ضرورت دارد توصیف گر باید قاعده نمایانگر موضوع خاصی باشد اما بهتر آن است که تعداد واژه های توصیف گر هر چه کمتر باشد و چه بهتر که توصیف گر تنها از یک واژه ساخته شده باشد. بهر حال باید به یادداشت که بهنگام مخفف کردن، اصطلاح مقداری از وضوح خود را از دست میدهد. واژه های توصیف گر مرکب باید بر حسب ترتیب طبیعی خود وارد واژه نامه شوند (مثلاً مهندسی برق) یعنی، نباید بطور مصنوعی معکوس شوند. شاید مفید باشد که شکل های معکوس را بعنوان غیرتوصیف گر در واژه نامه آورد و ارجح آن است که با توصیف گرها ارتباطشان داد.

وقتی شکل معکوسی بعنوان مدخل (یعنی توصیف گر) برگزیده میشود باید شکل غیرمعکوس آن هم در واژه نامه گنجانده شود.

۳۰۲۰۲ برای اینکه بتوانیم تعداد توصیف گرها را محدود نگاه داریم گاهی بهتر است که مفاهیم یا ترکیب مفاهیم را با ترکیب چند توصیف گر نشان دهیم.

تجزیه (شکافتن) مفاهیم یا ترکیبات واژه نامه

بعنوان قاعده ای کلی دو راه وجود دارد:

الف) تجزیه صرفی (واژه ای)

وقتی مفهوم با واژه ای مرکب یا ترکیبی از واژه ها نشان داده میشود می توان آنرا به عناصر سازنده اش تجزیه کرد. بهر حال وقتی واژه هائی که از این راه بدست میآید با هم ترکیب شوند به شرطی مفهوم اصلی را نشان میدهند که تجزیه صرفی معنائی داشته باشد، تنها در این صورت است که از تجزیه صرفی نتیجه درست بدست میآید.

ب) تجزیه معنائی

در تجزیه معنائی مفهوم به عناصر سازنده خود تجزیه میشود، عناصری که اگر با هم ترکیب شوند مفهوم اصلی را بازمی سازند. توصیف گرهایی که بدست میآیند ضروره جزو اصطلاحات شکافته شده هستند.

مثال برای مورد الف

روانشناسی حیوانی =

روانشناس + حیوانات

برای مورد ب

باد موافق = هواشناسی + جغرافیا

نمونه منفی الف (#) ب) XXX

باد موافق # باد + موافق

۳۰۲۰۲۰۲ ترکیب واژه ها یا مفاهیم

اصطلاحات ممکن است پیش از ورود به مجموعه ترکیب (یا پیش هم آراسته) شوند و به بهمین ترتیب نیز بازبایی شوند یا آنکه در ضمن کاوش ترکیب شوند (پس هم آراسته) تا مفهوم مطلوب جستجو شده را نشان دهند تصمیم در اختیار کردن یکی از این دو راه بستگی به ملاحظات زیر دارد:

#### الف) پس - هم آرائی

این شیوه محدود به مواردی است که توصیف گره‌های بسیط به تنهایی به کرات استعمال شود و یا آنکه توصیف گر از پیش ترکیب شده چندان بکار نرود. باید احتیاط کرد تا ترکیبات توصیف گره‌های بسیط واقعاً همان مفهوم را نشان دهند که توصیف گر از پیش ترکیب شده تا در نتیجه مفهوم بی هیچ ابهامی نشان داده شود.

مثال

انتقال + نفت = انتقال نفت

#### ب) پیش هم آرائی

توصیف گره‌های از پیش ترکیب شده فقط وقتی استعمال شوند که معنای توصیف گره‌های بسیط به تنهایی با معنای توصیف گر از پیش ترکیب شده فرق نداشته باشد.

مثال

گلاب

سراب

توصیف گره‌های بسیط در ارتباطاتی مرتبه ای غیر از ترکیبات پیش آراسته بکار برده می شوند. خانه داران

چنین توصیف گر از پیش هم آراسته ای اسمی خاص محسوب شود ولی این تردید پیش می آید که آیا ترکیب توصیف گره‌های بسیط محتوای مفهومی را منحصرأ و بدقت بیان میکند یا نه؟ توصیه میشود که در بسیاری از موارد از اصطلاحاتی که کلی تر از سایر توصیف گره‌ها هستند بعنوان توصیف گر از پیش آراسته استفاده شود: اگر مفهومی با ترکیبی از توصیف گره‌های بسیط نشان داده میشود باید با استفاده از ارجاع USE (بکاربرید) به این موضوع بکاربرید اشاره کرد. در زیر توصیف گره‌ها بسیط با علامت "UF" (بکاربرده شده بجای -) باید به اصطلاح از پیش ترکیب شده نامستعمل ارجاع داده شود (یعنی به علامت UFC) مثال انگلیسی:

Shipbuilding	Use	Ships + building
Vessels	Use	Ships
Ships	UF	Vessels
	UFC	Shipbuilding
Buiding	UFC	Shipbuilding

ترکیب توصیف گره‌های ساده باید در بخش نظام یافته واژه نامه بیابد و توصیف گر از پیش آراسته نامستعمل در بخش های الفبائی بعنوان غیرتوصیف گر ۳۰۲۰۲ شکل واژه وقتی قرار بر این شد که اصطلاح معینی در واژه نامه وارد شود باید دقت کرد که این واژه همراه با روابطی که در واژه نامه برقرار شده است معنای مورد نظر هر چه دقیقتر برساند.

الف) املاء

رایج ترین املائی هر واژه را باید پذیرفت در مواردی که بعلت استعمال های گوناگون کلمه ای پیش از یک املاء دارد هر دو املاء باید در واژه نامه بیاید و از یکی به دیگری ارجاع داده شود.

مثال:

ذغال

زغال

همچنین هرگاه چنین مساله ای پیش بیاید میتوان فرهنگ معتبری را ماخذ قرار داد.

ب) ترجمه

اصطلاحات فنی بسیاری در اثر ترجمه از زبانهای دیگر رواج پیدا میکنند اما گاهی زبانهای جدید اصطلاح لاتین یا یونانی را در واژگان اختصاصی موضوع خاصی وارد میکنند. وقتی هم اصطلاح خارجی و هم ترجمه معروف آن با معنایی واحد رواج دارند باید هر دو را در واژه نامه آورد و از یکی به دیگری ارجاع داد.

مثال:

بیولوژی

زیست شناسی

ج) حرف به حرف نویسی

وقتی زبان خارجی با الفبای متفاوتی نوشته میشود مساله غموض بیشتری مییابد این امر در مورد مشخصی کننده ها<sup>۱</sup> کاملاً صدق میکند از استاندارد های حرف به حرف نویسی که سازمان بین المللی استاندارد گذاری پیشنهاد کرده است هر جا قابل بکار بستن باشد میتوان استفاده کرده هر جا که امکان داشته باشد شکل حرف بحرف نوشته شده ای را که از علائم ممیز استفاده نمی کند باید بکاربرد.

۳۰۲۰۴ شکل اسم

توصیف گرها باید بشکل اسم (یا عبارت اسمی باشند) یا آن شکل از فعل بکارگرفته شود که معادل اسم باشد.

مثال:

برق بجای برقی  
بارندگی بجای باریدن

۳۰۲۰۵ عدد

استفاده از شکل جمع یا مفرد در انتخاب توصیف گر باید بر حسب نحوه کاربرد زبان واژه نامه باشد. لازم است که در این کار استانداردهای ملی وضع شود. اگر استاندارد ملی وجود نداشته باشد باید از شیوه معمول فرهنگ نویسی زبان استفاده کرد. گاه شکل جمع یا مفرد به مفاهیم متفاوتی اشاره میکنند، در چنین وضعی باید هر دو شکل را وارد واژه نامه کرد.

مثال در انگلیسی:

wood چوب

<sup>۱</sup> - Identifier

## Woods جنگل

در انگلیسی هرگاه اسم جنس منظور باشد توصیف گر بحالت جمع باشد. (یعنی وقتی توصیف گر به طبقاتی از اشیاء دلالت دارد) و حالت مفرد را باید برای مواد خاص خواص اشیاء فرایندها و اسم های خاص و شعب علوم نگاه داشت.  
مثال در انگلیسی:

فرایند	خاصیت	طبقه اشیاء
Acidification	Conductivity	Teeth
Calendering	Opacity	Stars
Curing	Texture	Pantings

۳۰۲۰۶ صفات

البته مواردی هست که فقط صفت با شکل های غیر اسم باید بکارگرفته شود.  
مثال:

اجتماعی بین المللی

بخش کوچکی از اصطلاحات تک واژه ای که بشکل صفت هستند میتوانند بعنوان وابسته صفتی بکارگرفته شوند (پیوسته، افقی) از آنجا که صفات میتوانند با اسم ها از پیش هم آراسته شوند و به عنوان توصیف گرهای ترکیبی وارد واژه نامه شوند، انتخاب صفت باید بر اساس سهولت کاربرد و انعطاف پذیری باشد. هر جا وابسته صفتی در ترکیب با اصطلاح خاص دیگری بسیار بچشم میخورد باید از شیوه از پیش هم آرائی استفاده کرد.

۳۰۲۰۷ اختصارات و سرنام ها

بطور کلی باید از بکاربردن شکل های اختصاری پرهیز کرد زیرا ممکن است استعمال آنها بحد کافی عام نباشد یا معنایشان فقط به قرینه متن معلوم شود یا اینکه تشخیص آنها بر اساس درشت نویسی و نقطه گذاری باشد. در حالت اخیر اگر در ارتباط با واژه نامه از چاپگر کامپیوتر یا وسایل داده پردازی<sup>۱</sup> الکترونیکی استفاده شود. درشت نویسی و نقطه گذاری ایجاد محدودیت هائی خواهد کرد، بنابراین از اختصارات هنگامی میشود استفاده کرد که در بین استفاده کنندگان از واژه نامه بخوبی جاافتاده باشد یا رواج بین المللی داشته باشند یا اینکه در عمل معلوم شود که بکاربردن آنها سودمند است. شکل اختصاری و غیراختصاری هر اصطلاحی مترادف محسوب میشوند و باید بیکدیگر ارجاع داده شوند. اختصاراتی که چند معنا دارند لفظ مشترک (هم نویسه) محسوب می شوند. گاهی ضرورت محدود ساختن طول توصیف گرسبب میشود که اختصاراتی که کمتر جا افتاده اند استعمال شوند. در چنین موارد باید به این اختصارات یادداشت کاربردی افزود نام سرنام های جا افتاده مانند توصیف گرها پذیرفتنی هستند.

مثال RADAR

۳۰۲۰۸ استفاده از حروف و علائم

<sup>1</sup> - Data Processing

## وضع علائم

هرگاه از تجهیزات داده پردازی استفاده شود باید نکات زیر را رعایت کرد. ماشین کردن توصیف گرها با حروف درشت پرهیز از بکاربردن علائم متمایز کننده که در بالا یا زیر حروف بکارمیرود. محدود کردن تعداد حروفی که توصیف گر میتواند داشته باشد البته اگر تجهیزات داده پردازی با نیازهای اطلاعاتی متناسب شوند این محدودیت ها از میان میروند. (ب) علامت گذاری

علامت گذاری در توصیف گرها باید به حداقل کاهش یابد بجز در مورد واژه های علمی اختصاصی، فقط پرانتز و خط تیره بشرحی که در رهنمودهای زیر خواهد آمد، بکار توصیف گرها میخورد. استعمال نقطه پایان وقتی مجاز است که بعلمت محدودیت توصیف گر کلمه مرخم شده باشد. خط تیره وقتی باید استعمال شود که حذف آن سبب دگرگون شدن معنائی شود که توصیف باید افاده کند. ویرگول، دو نقطه، اپوستروف، اگر در رساندن معنای کلمه ضرورت نداشته باشند باید حذف شوند. در حالتی که عبارتی معکوس میشود استعمال ویرگول مجاز است.

وقتی این قبیل علائم حذف میشوند بهتر آن است که در یادداشت کاربرد بطور کامل بیایند. (ج) وقتی در توصیف گرها به استفاده از علائم دیگر غیر خط تیره و پرانتز حاجت می افتد معنای این علائم باید بوضوح تعریف شود. در یادداشت های کاربرد، تعاریف و اطلاعات دیگر میتوان از علائم دیگری غیر از آنچه در بالا گفتیم استفاده کرد اگر در توصیف گرها عنصر عدد وجود دارد باید از ارقام عربی استفاده کرد طرز قرار گرفتن ارقام باید بشکل معمول باشد در مورد علائم متمایز کننده بالای حرف یا پائین حرف و اعدادی که در زیر حروف نوشته میشود باید قواعدی وضع کرد.

۳۰۳ روش های پرهیز از ابهام

۳۰۳۰۱ الفاظ مشترک

معانی مختلف الفاظ مشترک را باید از یکدیگر متمایز کرد، بدین ترتیب که بعد از هر لفظ مشترک باید علامت یا اصطلاحات مشخص کننده ای (که وابسته صفتی نامیده میشود و بخشی از توصیف گر بحساب میآید) در داخل پرانتز بکار برد این اصطلاحات که سبب تشخیص معانی مختلف الفاظ مشترک می شود خود نباید مشترک باشند. الفاظ مشترک و وابسته های صفتی تشکیل یک توصیف گر مرکب میدهند.

مثال

شیر (لبنیات)

شیر (حیوان)

لغتی که در واژگان فنی استاندارد شده ای (چه در یک کشور و چه در تمام جهان) تعریف شده است و بعنوان توصیف گر انتخاب شده باید بدون تغییرات چندانی نوشته شود حتی قسمتهائی که بدنبال آن در داخل پرانتز میآید نیز باید بهمین طریق در مدخل مخصوص بخود ثبت شود.

۳۰۳۰۲ یادداشت کاربرد

یادداشت کاربرد توضیح کوتاهی است در بیان مورد استعمال توصیف گر و میتوان آنرا همراه با توصیف گر در بخش اصلی واژه نامه بکاربرد اما نباید آنرا جزئی از توصیف گر شمرد.

از یادداشت کاربرد در موارد زیر استفاده میشود:

- منحصر کردن مورد استعمال توصیف گر

- توضیح اختصارات و سرنام ها

- کنار گذاشتن که از معانی محتمل اصطلاح بویژه اصطلاحی که در رشته علمی دیگری مورد استعمال دارد

- ذکر تاریخ اضافه یا کم کردن و اصطلاحات و ثبت تغییر کاربرد آنها.

یادداشت کاربرد را باید با حروف خاصی نوشت و با وضوح آنرا از وابسته صفتی متمایز کرد.

۳۰۳۰۳ در واژه نامه مفهوم توصیف گر در ارتباطی که با سایر واژه ها دارد و در واژه نامه با صراحت و دقت ارائه شده است بیان می شود. هرگاه در مورد تغییر بی ابهام و منحصر بفرد توصیف گری جای شک و شبهه باشد باید تعریفی به توصیف افزود و مفهوم آنرا با دقت معین کرد. این تعریف میتواند همراه توصیف گر در بخش اصلی واژه نامه بیاید اما جزء آن محسوب نمی شود.  
مثال:

دکومانتاسیون

(فرایند ذخیره و بازیابی اطلاعات در همه زمینه های دانش)

۳۰۳۰۴. در بسیاری از موارد بهتر است که معادل توصیف گری در زبانهای دیگر هم ذکر شود تا اطمینان حاصل شود که در تجزیه و تحلیل متون خارجی توصیف گر درستی استعمال شده است. وقتی که معنای معادل های خارجی با معنای این توصیف گر کاملاً یکی نباشد باید با استفاده از یک یادداشت توضیحی توجه را به این امر معطوف داشت. ترجمه هر توصیف گر را باید مترادف یا شبه مترادف آنها محسوب داشت.

۳۰۳۰۵. اطلاع از ماخذ توصیف گرها یا تعاریف برای پروراندن واژه نامه در آینده اهمیت بسیار دارد. این گونه اطلاعات را باید همراه با خود توصیف گرها گردآوری کرد اما نباید آنرا در بخش اصلی واژه نامه گنجانند.

[ابتدای صفحه](#)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی